

# علم منطق

درس نوزدهم

## صناعت خطابه

صناعت خطابه ، عبارت است از مهارت و فنّی علمی که برای قانع کردن عموم مردم جهت انجام کاری و یا ترک عملی ، مورد استفاده قرار می گیرد.

قیاسی که در فنّ خطابه به کار برده می شود ، عبارت است از قیاسی که متشکّل از مقبولات ، مظنونان ، مشهورات ، و یا ترکیبی از این گونه قضا یا باشد. مقصود از استدلال خطابی در اینجا ، آن دسته از استدلال هایی است که به هدف اقناع مخاطبانی که از عامّه مردم هستند ، ارائه می گردد ، خواه به صورت سخنرانی شفاهی در جمع مردم ، یا به صورت کتابت، و یا به صورت محاوره و گفتگو باشد.

بر اساس آنچه بیان شد روشن می گردد که تفاوت صنعت  
خطابه با صنعت جدل در دو امر است :

**الف** - هدف از صنعت جدل ، غلبه بر طرف مقابل در مناظره و  
جدل است ، خواه قانع شود یا نه.

اما هدف از صنعت خطابه ، قانع کردن توده های مردم و ایجاد  
حسّ پذیرش در همگان برای اقدام به عملی ، و یا ترک فعلی  
می باشد.

**ب**- مقدمات جدل ، از مشهورات حقیقیّه و مسلّمات است ، در  
حالی که مقدمات خطابه ، از مقبولات ، مظنونات ، و عموم  
مشهورات ، یا ترکیبی از آنها تشکیل می گردد ، به نحوی که  
وافی به هدف اصلی در خطابه باشد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم این است که : فنّ خطابه  
عمدتاً بر قیاس و تمثیل ، تکیه دارد ، گاهی هم از استقراء بهره  
می گیرد ؛ در حالی که فنّ جدل در غالب اوقات ، بر قیاس و  
استقراء ، مبتنی می باشد.

### **اصطلاحات باب خطابه**

در مبحث فنّ خطابه ، اصطلاحاتی به کار برده می شود که  
شایسته است به طور ایجاز و اختصار ، بیان گردد :

## **عمود**

مقصود از عمود در این فنّ ، مادّه قضایای خطابیه است. به عبارت دیگر ، سخنانی که استدلالات خطابیه از آنها تشکیل می گردد و موجب اقناع مخاطبان از عموم مردم می شود را عمود می نامند.

## **اعوان**

منظور از اعوان در اینجا ، عبارت است از : حالات ، حرکات ، افعال و اقوال جانبی که گوینده را در جهت رسیدن به هدفش که اقناع مخاطبان است ، یاری می دهند. "اعوان" را بر اقسام زیر تقسیم کرده اند که هریک از آنها فنّی از فنون یک خطابه موفّق می باشند :

### **الف - استدرجات خطیب**

مقصود از این اصطلاح ، فنون جانبی مربوط به سخنور است ، که خطیب را قبل از شروع در سخن ، در نزد مستمعین ، به نحو مطلوب و شایسته جلوه دهد. مثل اینکه مجری برنامه ، او را با روشی مناسب معرفی کند و مقام و منزلت علمی و اجتماعی او را بیان نماید ؛ یا اینکه آن خطیب ، خود را به نحوی که مصلحت است ، معرفی نماید.

همچنین ، لازم است خطیب ، با منظری شایسته مجلس ، ظاهر شود. به این معنا که لباس او مناسب حال و هوای مجلس باشد ؛ همچنین ، نحوه قرار گرفتن در جایگاه خطابه ، حرکات او ، طرز روبرو شدن با شنوندگان و بینندگان ، همه به صورت حساب شده باشد.

#### **ب - استدرجات خطابه**

منظور از این اصطلاح ، فنون جانبی است که به نحوه خطابه باز می گردد و خطیب را در رسیدن به هدفش یاری می نماید. مثل درست ادا کردن عبارات ، مراعات تُن صدا ، رعایت سرعت بیان در مقاطع مختلف به تناسب حال ، و امثال آن.

نکته مهمی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که : هرگز نباید خطیبی در این امور ، از سخنوری دیگر تقلید کورکورانه نماید ، بلکه شایسته است ، خودش صاحب سبک و سلیقه مناسب باشد.

#### **ج - استدرجات مخاطبان**

مقصود از این عبارت ، فنون جانبی مربوط به شنوندگان و بینندگان از عامه مخاطبان است ، که موجب به وجد آمدن آنان می شود و ایشان را آماده و پذیرای سخنان خطیب می نماید. مانند اینکه از آنان تمجید کند ، یا فضائل آنان یا اجداد و اهالی شهر و کشور آنان را بیان نماید ، یا اینکه اگر وضع مجلس اقتضا

کند ، با لطیفه ای مناسب و توأم با نزاکت ، آنان را بخنداند ، یا اینکه به نحو مناسبی خود را شریک در غمها و شادیهای آنان نشان دهد.

خطابه باید به نحوی باشد که هم برای وصول به مقصود خطیب، کافی باشد ، و هم اینکه موجب ملال و خستگی مستمعان نگردد.

نکته مهمی که در اینجا یادآور می شویم این است که : خطیب باید از هرگونه قول و فعلی که موجب سرزنش یا تحقیر و یا استهزاء مخاطبان شود ، جداً خود داری کند. زیرا این حرکت باعث می شود که مخاطبان ، به جای اینکه پذیرای سخن گوینده باشند ، با عناد و کینه تیزی به مخالفت با او برخیزند و از سخنان او متنفر و بیزار شوند.

#### **د - شهادت قول**

منظور از این اصطلاح ، بیان شواهدی از گفتارهای بزرگان مانند پیامبران ، امامان ، حکیمان و شاعران مورد احترام مردم است. این امر به خطیب کمک می کند تا بتواند به مطلوب و مقصود خود که همانا قانع کردن مردم برای انجام عملی یا ترک فعلی است ، نائل گردد.

همچنین اگر شنوندگان هم در حین سخنرانی او ، با کف زدن و فریاد زدن ، به تایید سخنان او پرداختند ، خطیب می تواند آن تایید را هم به عنوان شاهد قول ، بیان نماید.

#### **ه - شهادت حال**

مقصود از این اصطلاح ، ارائه شواهدی عملی است که باعث تأثیر پذیری شنوندگان و قبول سخن خطیب می گردد. مثل اینکه سخنران ، در بخشهایی از خطابه خود ، افعالی متناسب با سخنان خویش انجام دهد.

مثلا در هنگام گفتن عبارات حزن آور، محزون شود ، یا در وقت گفتن سخنی مسرت بخش ، خود نیز مسرور گردد ، و یا در هنگام بیان سخنانی برای تشجیع مردم ، با حالتی حماسی آن را بیان نماید ، و یا اگر می خواهد اعتماد مردم را جلب کند ، با اعتماد به نفس ، سخنان خود را تبیین نماید.

#### **نظم خطابه**

یک سخنران یا نویسنده ماهر ، علاوه بر مراعات شیوایی و رسایی سخنان خود ، و رعایت "عمود" و "اعوان" که بیان گردید، باید شکل و هیأت سخنرانی را نیز به درستی طراحی و اجرا نماید.

ساختار یک سخنرانی مناسب ، شامل سه بخش به شرح ذیل می باشد :

**الف - مقدمه .** یعنی پیشگفتاری مختصر ، به منظور آماده سازی مخاطبان و فراهم نمودن زمینه مناسب برای ورود در بحث. شایسته است مقدمه ، به نحوی به اصل مطلبی که در متن سخنرانی می آید ، اشاره داشته باشد.

همچنین ، باید مقدمه طوری نباشد که از همان اول ، مخاطبان را خسته ، ملول ، خشمگین ، ناامید ، و یا متنفر سازد. مثلا در مجلس جشن ، مقدمه سخن او مسرت بخش باشد ، نه غم انگیز. یا اینکه در مجلس عزا ، نباید با عباراتی خنده آور ، سخن خود را آغاز کند. به طور کلی ، نباید مقدمه ، طولانی و خسته کننده باشد.

#### **ب - متن خطابه**

بخش اصلی خطابه نیز ، باید در راستای هدف خطیب ، واجد همه شرایط فصاحت و بلاغت باشد. همچنین ، از دلائل روشن و قانع کننده ، و داستانهای مستند ، و قطعات ادبی مناسب ، استفاده شود.

### ج - خاتمه

پایان بخش خطابه هم شایسته است شامل فشرده ای از محورهای اصلی سخنرانی (به نحو خیلی موجز) ، و تشکر از شنوندگان یا خوانندگان ، و وداع و خدا حافظی از آنها باشد.

\*\*\*\*\*